

فهرست مطالب

_____	تعریف جامعی از موسیقی ایرانی و مقایسه آن با موسیقی غربی
_____	فرم‌های موسیقی ایرانی و موسیقی بین‌المللی
_____	فرم سویت (Sutie) در موسیقی ایرانی و بین‌المللی
_____	مدگری در موسیقی ایرانی و بین‌المللی (Modulation)
_____	رابطه مکتب کلاسیک و رمانتیک با موسیقی سنتی ایران
_____	تاریخچهٔ اوزان موسیقی ایرانی و بین‌المللی
_____	سازهای ملی ایران و رابطه آنها با موسیقی بین‌المللی
_____	انواع سازهای موسیقی
_____	سازهای زهی
_____	تاریخچه ویلن در دنیا
_____	قانون
_____	مشتقات عود اروپائی
_____	طنبور و مشتقات آن
_____	آیا موسیقی ایرانی احتیاج به تحول دارد؟
_____	سازهای ضربی
_____	سازهای ضربی
_____	زنگ
_____	دف
_____	سازهای گوناگون

- ۱۱۰ و پیشگامان موسیقی ایران در طول تاریخ
- ۱۱۵ موسیقی علمی در دوره اسلامی
- ۱۲۰ ی و فارابی
- ۱۲۶ ینا
- ۱۳۲ قی مذهبی در ایران
- ۱۳۶ ی
- ۱۴۲ موسیقی جدید علمی در ایران
- ۱۴۸ علینقی وزیری
- ۱۵۴ غلامحسین مین باشیان
- ۱۶۰ روح اله خالقی
- ۱۶۴ تانهای موسیقی ایران
- ۱۷۰ تان عالی موسیقی
- ۱۷۵ تان موسیقی ملی
- ۱۸۰ تان موسیقی ملی
- ۱۸۶ چه هنرستان موسیقی تبریز
- ۱۹۴ موسیقی که من ساخته ام
- ۱۹۹ تان موسیقی تبریز
- ۲۰۳ تر سنفونیک طهران
- ۲۰۸ رافی فرهاد مشکات

متاسفانه بعضی‌ها در اثر بی‌اطلاعی در موسیقی ایرانی ترانه‌هایی به نام‌تصنیف اجرا کنند که حتی مجریان آن نمی‌دانند در چه دستگاه و آواز می‌باشد.

تصنیف که بهترین فرم موسیقی ایرانی است در میزانهای دو چهارم سه‌چهارم، چهارم و شش هشتم ساخته می‌شود و برای ساختن آن تعداد میزان و زمان مورد نظر نمی‌شود و بسته به نظر و سلیقه آهنگساز می‌باشد ولی نکته‌ای که رعایت آن ضرورت دارد این است که باید تعداد میزانها در هر جمله به یک اندازه باشد یعنی اگر در جمله اول چهار میزان باشد جمله بعدی هم باید دارای چهار میزان نوشته شود و اصولاً قرینه‌بندی در موسیقی ایرانی اهمیت زیادی دارد که رعایت آن در پیش درآمد، چهارمضرب و رنگ ضروری است. در تصنیف از همه مهم‌تر تلفیق شعر و موسیقی می‌باشد یعنی پیوند شعر و موسیقی در طوری برقرار گردد که معنی شعر و موسیقی آن را شنونده بخوبی درک کند و این امر ساختن موسیقی ایرانی اهمیت زیادی دارد.

۵- فرم رنگ: رنگ تنها رقصی است که جزو سایر فرم‌ها در دستگاه‌های موسیقی ایرانی جای دارد. این فرم بسیار نشاط آور و طرب‌انگیز است. و شاید به‌همین دلیل است که آخرت‌دیف اجرا می‌شود که پایان موسیقی توأم با نشاط باشد. رنگ در واقع برای صیدن است. هنر رقص از زمان بسیار قدیم در ایران معمول بوده است که می‌توان اسامی مختلفی از رقص‌ها را که در دربار سلاطین و اشراف اجرا می‌شدند به شرح زیر نام برد که کتب قدیمی نوشته شده‌اند:

رنگ فرح‌انگیز، رنگ دلگشا، حاشیه، نطوری، شهر آشوب و کوراوغلی. کوراوغلی نام یکی از اپراهای بسیار مشهور آذربایجان قفقاز «باکو» نیز می‌باشد که سلیقه شادروان عزیز حاجی بیگ اف آهنگساز بزرگ در ۸۰ سال قبل ساخته است. خود کوراوغلی به معنی فرزند کور یعنی کسی که پدرش کور است، می‌باشد که در اپرای کور یکی از قهرمانان است. واژه اپرا به معنی نمایشنامه موزیکال می‌باشد که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تدریجاً صنعت ویلون سازی عمومیت پیدا کرد و کارخانجات ویلون سازی در اروپا مول گردید و به اندازه‌های مختلف ساخته شد: (یک هشتم، یک چهارم، یک دوم، سه چهارم ویلون کامل). علاوه بر ویلون معمولی: ویلون آلتو (Viola)، ویلون سل (Violin cello)، تر باس (Contre Bass) ساخته شد که در نتیجه ارکسترهای گوناگون موسیقی غربی و موسیقی ایرانی تقویت پیدا کرد.

چنگ: چنگ ویلر دو ساز مشابه هستند - چنگ مقدمه‌ای برای به وجود آمدن رپ (Harpe) گردید. کلمه چنگ به زبان پهلوی به معنی خمیده آمده است و نام چنگ بر همیشه با هم توأم بوده است. منشا چنگ کمان شکارچیان می باشد.

در زبان فارسی کلمه‌ای به نام وَن (Vin) هست که در کتاب‌های لغت آن را به معنی پنج کوچک نوشته‌اند که به نظر من صحیح نمی باشد زیرا کلمه «وَن» به نوعی چنگ اطلاق گردید و نقش آن بر طاق بستان کرمانشاه دیده شده است. قدمت چنگ را پنج هزار سال قبل بر کرده‌اند. در این زمان بلندی چنگ یک متر و نیم بود و تعداد سیم‌ها بین شش تا هشت در سازهای متفاوت ذکر شده است که بعدها تعداد سیم به دو برابر افزایش یافت.

چنگ به شکل مثلث (سه گوشه) هم دیده شده است که نمونه‌ای از آن در موزه لورویس موجود است که مربوط به سه هزار سال قبل در زمان بابلی‌ها، عیلاتی‌ها و آشوری‌ها مول بود، به علاوه قوم یهود نیز نوعی چنگ به شکل مثلث داشتند که آن را Nebel گفتند.

بنا به روایتی حضرت داوود آوازهای مذهبی خود را به نام زبور داوود به همراهی ساز که خود می نواخت اجرا می کرد. و این موضوع را بسیاری از نقش‌های برجسته در سر تایید می نماید.

- ۲- دسته تار: معمولاً از چوب گردوی کهنه می باشد و بوسیله شیطانک از پنجه می شود و شیطانک دارای شیار است که در درون آن کمی از دسته بلندتر می باشد. معمولاً سیم های تار از شیطانک عبور کرده و به گوشی ها پیچیده می شوند.
- ۳- نغاره تار: یکی از جعبه های خالی تار است که بر روی آن پوست کشیده می شود و آن را جعبه کوچک نام نهاده اند. جنس نغاره تار از چوب درخت توت می باشد.
- ۴- کاسه تار این قسمت مانند نغاره تو خالی است و کمی بزرگتر می باشد که بر آن هم مانند نغاره پوست کشیده می شود و جنس آنهم از درخت توت است. خرک تار که ها از روی آن عبور می کنند بر روی پوست کاسه قرار دارد. دسته تار رابه سه قسمت می کنند و عبارتند از پائین دسته، وسط دسته و بالای دسته.
- پرده های تار که جنس آنها از روده و یا زه می باشند و بر روی دسته بسته می شوند دما آن را دستان می گفتند و دستان نشانی که به کرات در کتب پیشینیان نوشته شده به معنی پرده بندی می باشد.
- امروزه در پرده بندی تار هراکتاو دارای ۱۶ نت و پانزده فاصله است که هفت فاصله بع پرده و یک فاصله سه چهارم پرده می باشد.
- پرده بندی در تار از اهمیت زیادی برخوردار است. شادروان استاد وزیری در این راهنمایی کرده است که عیناً نقل می شود. در تار ۲۸ پرده بسته می شود که ۱۳ پرده چهار لائی و پانزده پرده سه لائی می باشد و تار دارای دو نوع سیم فلزی است: سیم های و سیم های زرد صدای سیم سفید زیل (نازک) و صدای سیم زرد بم می باشد. تعداد های تار شش عدد می باشد و سیم ششم را غلامحسین درویش استاد تار اضافه کرده . معمولاً سیم های سفید را با نت دو (نیم خط زیر حامل) کوک می کنند.
- مضرب تار: معمولاً فلز برنجی است که نوک مضرب صیقلی شده می باشد. مضرب را در موقع نواختن بین شصت دست و انگشت سبابه اشاره قرار می گیرد.

است ولی بدون شک باید قبول کرد که فارابی به نوعی هارمونی دست یافته بود و به با در نظر گرفتن اینکه در زمان فارابی وسایل ارتباط بین المللی بخصوص شرق و بسیار محدود بوده، این امکان نیز می تواند وجود داشته باشد که فارابی با تقلید از آن پی بوجود هارمونی نبرده است بلکه درحالی که در اروپا نوعی آرمونی معمول بود، بی خبر از آن، خود نوعی آرمونی بوجود آورده است.

آرمونی به معنی خوش صدایی، از قرن ۵ میلادی شروع شده و به معنی امروزی از ۱۳ یعنی سه قرن بعد از فارابی متداول گردیده است. بعلاوه در یونان قدیم نوعی ساز موجود بود که دو لوله داشت که یکی از لوله ها مخصوص هارمونی بود. این نوع های فرعی را امروزه به انگلیسی Drone می گویند.

دکتر برکشلی محقق و موسیقی شناس بزرگ ایرانی عقیده دارد که ودیع صبرا با این خواسته است افتخارات علم هارمونی و سایر ابتکارات فارابی را به اعراب نسبت بدهد با وجود اینکه زادگاه فارابی را ایران قلمداد کرده ولی او عقیده داشت که فارابی عرب و ایرانی نیست.

دکتر برکشلی اظهار عقیده می کند که ودیع صبرا درباره صفی الدین ارموی نیز همین را کرده است و حتی زادگاه او را بغداد قلمداد نموده در صورتی که کلمه ارموی ط به ارمیه می باشد و به همین سبب به ارموی مشهور گشته است.

به عقیده من با مطالعه نظریات علمی فارابی می توان قبول کرد که آغاز موسیقی علمی از آن با ظهور وی توأم بوده است.

فارابی درباره رکن های اصلی موسیقی یعنی ریتم، ملودی و هارمونی نیز به تفصیل گفته است. وی برای بوجود آوردن ملودی در موسیقی ایرانی سه روش ارائه داده و است آهنگسازان موسیقی ایرانی معمولاً یکی از سه روش را خواه و ناخواه بکار

ند:

۱- آهنگ سازی ارادی که از طریق اراده اقدام لازم بعمل می آید.

آثار عمده پرویز محمود عبارتند از: بیشه عشق، کوارتت زهی (هم نوازی چهار زرهی) دانس اگزوتیک (Exotic)، راپسودی نوروز، پوئم سنفونیک لاله، سویت مهرگان، نوزی کرد (Fantesie)، کنسرتو ویلون، فانزلی روی ترانه‌های محلی مانند «اوستا علی بنا، ماشالله» و غیره...

پرویز محمود در آثار خود از واگنر (Vegner) آلمانی، تراوینسکی (stravineski) و کورساکوف روسی مایه گرفته است. در آن زمان منتقدین موسیقی درباره آثار محمود چنین نوشته‌اند: «آثار محمود از لحاظ هارمونی غنی و توسعه آهنگ فقیر بودند.»

اطلاعات عمومی پرویز محمود بسیار خوب بود، وی در سال ۱۳۲۸ بعد از سه سال دست کنسرواتوار، راهی آمریکا شد و از آن پس هرگز به ایران برنگشت. ششمین رئیس کنسرواتور روبیک گریگوریان (Rouben Grigorian) معاون پرویز محمود است که در سال ۱۲۹۴ شمسی در تبریز به دنیا آمد. پدر و مادر او هر دو موسیقی دان بودند. پدر بیگ به نام لئون گریگوریان استاد ویلون در تبریز بود (من در سال ۱۳۲۵ در قسمت زندگی و تکنیک ویلون از ایشان نیز بهره گرفته‌ام). مادر روبیک پیانو را بخوبی می‌نواخت و برادران روبیک نیز موسیقی دان بودند، هانری برادر روبیک تحصیلاتش را در رشته ویلون در آمریکا ادامه داد و در ارکستر سنفونیک به رهبری دورانی، نوازنده ویلون اول بیاد دارم که هانری گریگوریان در سال ۱۳۳۶ با ارکستر سنفونیک یک صد نفری به رهبری دوراتی، به تهران آمد و سویت ایرانی (persian suite) ساخته هنری کاو (Henry cav) را با ارکستر سنفونیک اجرا کردند.

روبیگ گریگوریان در آثار خود از ریمسکی کورساکوف روسی و چاطوریان آهنگساز ارمنستان پیروی کرده است. ساخته‌های وی از لحاظ ملودی بسیار زیاده و گویا بود ولی از لحاظ هارمونی فقیر بودند.